



علی اعطا

عضو هیئت رئیسه و سخنگوی شورای پنجم تهران

رئیس محترم شورویا شهر تهران جناب آقای مهندس چمران در تاریخ هفتم شهریور در گفت‌وگو با انصاف‌نیوز فرموده‌اند: «متأسفانه قانون باغانی در دوره گذشته در شورای شهر مصوب و آن همه برایش تبلیغ شد، نتیجه این شد که سال گذشته یک نفر پروانه باغ مسکونی نگرفته است. چون با هیچ قانونی صدق نمی‌کند و صرفه اقتصادی ندارد. مالک باید متری ۱۰۰ میلیون تومان پول بدهد زمین بخرد اما دو طبقه در ۱۵ درصد یک باغ بسازد.» از دیگر سسو، از سایر اظهارنظرهای ایشان و دیگر اعضای شورا چنین برمی‌آید که شورای فعلی مترصد تغییر در مصوبات شورای پیشین در حوزه باغات است.

من برای آقای مهندس چمران به عنوان فردی دانشگاهی و دارای تجربه طولانی در عرصه پارلمانی مدیریت شهری احترام فراوانی قائلم و در دوران حضورم در شورا، در مواقع ضرورت در برخی موضوعات تخصصی شهرسازی و معماری از ایشان کسب نظر می‌کردم، اما اظهارات ایشان در گفت‌وگو با انصاف‌نیوز را محل تأمل جدی می‌دانم.

● **یک** – به عبارات آقای مهندس چمران در ابتدای یادداشت دقت کنیم. در تمامی

عبارات ایشان، یک پیش‌فرض قطعی وجود دارد: «مالک باید از ساخت‌وساز در باغ، بهره اقتصادی ببرد.» بی هیچ گفت‌وگو، نتیجه منطقی این سخن، احیای برج‌باغ است. به عبارتی مصوبه برج‌باغ نتیجه منطقی این دیدگاه بود که ساخت‌وساز در باغ باید صرفه داشته باشد. چرا؟

● **دو** – در شورویا پنجم زمانی که مصوبه برج‌باغ را لغو کردیم، بسیاری از مالکان باغات تهران، نسبت به سلب «حق» ساخت‌وساز در باغ معترض بودند. روشن است که این اعتراضات ادامه دارد و قابل حدس است که فشار جدی بر اعضای شورویا ششم از سوی مالکان باغات تهران برای احقاق این «حق» وجود دارد. البته بخش زیادی از آنها، مالکان اولیه و بومی نیستند. ممکن است برخی از دستگاه‌های دولتی و عمومی و نهادهای برج‌سازان باشند. آیا لغو برج‌سازی در باغات، یک «حق» بود که سلب شد و باید آن را احیا کرد؟ برج‌سازی در باغات، آیا یک «حق» بود یا یک «امتیاز ویژه» و غیرمتعارف بود که به صاحبان باغات تعلق گرفت؟

● **سه** – جناب آقای مهندس چمران، این اشکال را مطرح کرده‌اند که «سال گذشته

نقدی بر سخنان رئیس شورای اسلامی شهر تهران در رابطه با ساخت‌وساز در باغ‌ها

برج‌سازی در باغ‌های پایتخت؛ حق یا امتیاز ویژه

یک نفر پروانه باغ مسکونی نگرفته است» و این امر را به عنوان شاهد عدم موفقیت مصوبه شورای پیشین ذکر کرده‌اند. روی دیگر سکه آن است که آقای مهندس چمران میزان توفیق در نحوه مواجهه با باغات را در به‌جریان‌افتادن صدور پروانه ساخت در باغات می‌دانند.

تبدیل ناگهانی امتیاز ویژه به حق مسلم در اردیبهشت ۸۳

در رابطه با نکات مذکور که منتج از کلام رئیس محترم شورویا ششم است، باید توجه کرد ساخت‌وساز در باغات با هدف انتفاع اقتصادی از اقتصاد ساخت‌وساز، امری بود که لایحه‌ای به امضای محمود احمدی‌نژاد به عنوان شهردار تهران به شورویا دوم پایتخت به ریاست مهندس چمران رفت و در اردیبهشت ۸۳ به تصویب رسید و در سال ۸۶ نیز به طرح جامع تهران راه پیدا کرد. آیا پیش از سال ۸۳، ساختمان‌سازی در باغ به قصد انتفاع مادی از اقتصاد ساخت‌وساز، اساسا موضوعیت داشته است؟ دوستان در مدیریت شهری دوره دوم، برای نخستین بار امتیاز ویژه برج‌باغ‌سازی را به مالکن باغ‌های تهران هدیه کردند و آن را در تصور آنان، به یک حق غیرقابل‌انکار

تبدیل کردند. طبیعی است وقتی در یک دوره ۱۳ساله بر اساس این امتیاز ویژه، بسیاری افراد از برج‌باغ‌سازی منتفع می‌شوند، آن دسته از مالکان باغات که در آن ۱۳ سال دست به کار نشده‌اند، از عدم‌نتفع ناشی از لغو آن مصوبه نامناسب (برج‌باغ) احساس می‌کنند حق آنان ضایع شده است. حقی که در واقع نه یک حق بلکه یک امتیاز ویژه بود تا با آن، باقی‌مانده باغ‌های تهران، به ساختمان‌های بلندی در کوچه‌های کم‌عرض مناطق شمالی تبدیل شود و بشود آنچه شد.

اینکه امروز گفته شود «صرفه اقتصادی ندارد، مالک باید متری ۱۰۰ میلیون تومان پول بدهد زمین بخرد اما دو طبقه در ۱۵ درصد یک باغ بسازد»، بهترین گواه است که حفاظت از باغ مسئله اصلی نیست، بلکه اولویت این است که اگر کسی خواست متری ۱۰۰ میلیون تومان بدهد و باغ بخرد، مجاز باشد در آن چیزی بسازد که به‌صرفه باشد. آفتاب آمد دلیل آفتاب! این رویکرد اظهارمن‌الشمس است که به حفاظت از باغ منجر نمی‌شود، منافع عمومی را مسئله اصلی ندانسته و خواسته یا ناخواسته، در زمین تأمین منافع سوداگران در تقابل با منافع عمومی بازی می‌کند.



عکس: پوریا پاکزاد، ایسا

پیاده‌راه‌سازی خیابان ۱۷ شهپور به‌عنوان یکی از محورهای قدیمی تهران از ابتدا با مقاومت ساکنان و کسبه مواجه شد؛ اما با اصرار مدیریت شهری اجرا شد. این پروژه با صرف هزینه منجر به خلق یک کالبد زیبا و جذاب شد اما شکست خورد. چراکه زندگی شهری و نظام اقتصادی حاکم را تحت تأثیر قرار داد. در همدان اما خیابان بوعلی سینا که از میدان مرکزی منشعب شده و به آرامگاه بوعلی سینا منتهی می‌شود، فعال‌ترین و گران‌ترین راسته تجاری شهر است که در آن تعداد درخور توجهی از پزشکان، کسبه قدیمی و صنایع دستی و… از دیرباز فعالیت می‌کنند. این پروژه که اجرا شد، نگرانی‌های زیادی وجود داشت؛ اما در کمال شگفتی برعکس تجربه تهران بسیار موفق از کار درآمد.

و آراسته هستند که بتوانند در آن حضور یابند و برخی از مناسبات اجتماعی و گذران اوقات فراغت خود را در محیط‌های عمومی شهری بدون نیاز به هزینه درخور توجه برنامه‌ریزی کنند. برای شکل‌دهی به محورهای شهری موفق نظیر تجربه همدان موارد زیر به مدیران و برنامه‌ریزان شهری توصیه می‌شود:

● **پیاده‌راه‌کردن** محورهای شهری بیش از آنکه یک پروژه عمرانی باشد، یک پروژه شهری است که باید اقتصاد شهری و مناسبات اجتماعی را در آن لحاظ کرد و با پل و زیرگذر ساختن فرق دارد.

● **در مکان‌یابی و اجرای** این پروژه‌ها باید دقت کرد فعالیت‌ها و مناسبات جاری آسیب نینند؛ بلکه با رونق‌گرفتن محور و استقبال شهروندان تقویت هم بشود. بخواهیم یا نخواهیم همه ما به خودرو وابسته هستیم و پیاده‌راه‌سازی محورهای شهری نباید دسترسی سواره شهروندان را مختل کند. لحاظ‌کردن پارکینگ در نزدیکی محورهای پیاده و طراحی نظام سواره جایگزین و پشتیبان موضوع خیلی مهمی است که نباید از آن غفلت کرد.

● **تأکید بر هویت‌های** منطقه‌ای و استفاده از مصالح بومی و اجازه هنرنمایی به هنرمندان ساکن همان شهر می‌تواند به ایجاد هویت بومی و منحصر‌به‌فرد و ایجاد جذابیت محور کمک درخور توجهی کند.

جرم به مدت یک سال از آن سازمان سلب خواهد شد.

۶. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری در حمایت از اجتماع و حقوق عامه تصویب شده است و تفسیر در اجرای آن باید در این قالب صورت گیرد. به عبارتی دامنه مشمولان ماده مذکور علاوه بر اشخاص حقیقی خصوصی، اشخاص حقیقی و حقوقی عمومی را نیز در بر می‌گیرد. نظارت بر رفتار قدرت عمومی در حوزه‌هایی مثل بهداشت عمومی، محیط زیست، منابع طبیعی و حقوق شهروندی نیز می‌تواند موضوع اعلام جرم سازمان‌های مردم‌نهاد باشد. بدین روی که تنها اشخاص خصوصی نیستند که علیه بهداشت عمومی یا محیط زیست اقدامی مجرمانه انجام می‌دهند. بنابراین سازمان‌های مردم‌نهاد علاوه بر اعلام جرم از اشخاص خصوصی در موضوعات مذکور می‌توانند از اشخاص عمومی نیز در موضوعات بالا اعلام جرم کنند و مراجع قضائی صالح مطابق ماده پادشده تحقیقات لازم را آغاز می‌کنند. بنابراین تفکیک دو حوزه افراد آسیب‌پذیر؛ حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی و حوزه عمومی؛ محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری از اهداف قانون‌گذار بوده است تا بتواند نقضی را که در جامعه به وجود آمده است، توسط نمایندگی سازمان‌های مردم‌نهاد پوشش دهد.

در نتیجه با نگاهی دوباره به مقدمه مطلب، روند توسعه اجتماعی و تاریخی دعاوی از حیث اشخاصی که می‌توانند اعلام جرم کنند یا با عناوینی در دادرسی شرکت کنند یا حتی مدعی دریافت خسارت از جانب اجتماع و به حساب اجتماع شوند رو به پیشرفت است. انتظار می‌رود علاوه بر نقوضی که خواست قانون‌گذار بوده است در حوزه‌های بیشتری از موارد ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین در امور مدنی که خسارتی توسط اعمال برخی از شهروندان و نهادهای عمومی به جامعه وارد می‌شود بتوان احقاق حق جامعه و جبران خسارت آن عمل را توسط نهادی واسط همچون سازمان‌های مردم‌نهاد به نفع جامعه طلب کرد.

خبری از صدای بوق و دود ماشین نیست و کودکان بدون ترس با شور و نشاط در طول عرض محور بازی می‌کنند و افراد مسن هم با آرامش در یک نیمکت نشسته‌اند و به این جنب‌وجوش شهری خیره شده‌اند. همه اینها آن چیزی است که یک محور شهری سرزنده و پویا باید برای شهروندانش فراهم کند؛ حق طبیعی هر شهروند که متأسفانه فراموش شده است. تنها نقد درخور توجه به این محور بی‌توجهی به جداره‌هاست که متأسفانه دچار اغتشاش بصری فراوان است. اگر مدیران شهری در همدان طی یک مرحله دیگر و با مشارکت ساکنان، سیمای شهری محور را از عناصر زاید نظیر کولر، کابیل برق و… بپزایش کنند، نماها را مرمت کرده و تا حدی هماهنگی و هم‌نواپی در محور ایجاد کنند و تابلوهای شهری کسبه و پزشکان را هم ساماندهی کنند، کیفیت بصری و جذابیت‌های این محور دوچندان خواهد شد. فشارهای روزافزون زندگی امروز و آشفتگی‌های ناشی از آن در ذهن و روان شهروندان باید مدیران شهری و شوراهای شهر را به چاره‌جویی وادار کند. خلق محورهای شهری پیاده و جذاب از این دست می‌تواند در ایجاد آرامش روحی و روانی شهروندان که با مشکلات عدیده مواجه هستند، تأثیرگذار باشد. شهروندان در شهر فقط به پل و خیابان و زیرگذر احتیاج ندارند و مکان‌های گذران آنها نباید صرفا به مال‌ها و مراکز خرید محدود شود. آنها نیازمند شهری انسان‌محور، تا حد امکان غیروابسته به ماشین، با سیمای شهری متین، جذاب

که برای آن طرح توسعه تهیه شده، از یک میدان مرکزی تشکیل شده است که شش خیابان به زاویه ۶۰ درجه از آن منشعب شده و دو دایره این خیابان‌ها را به هم وصل می‌کنند. خیابان بوعلی سینا یکی از این شش خیابان است که از میدان مرکزی منشعب شده و به آرامگاه بوعلی سینا و کار خاظره‌انگیز هوشنگ سیحون که نماد شهر همدان هم هست، منتهی می‌شود. این خیابان فعال‌ترین و گران‌ترین راسته تجاری شهر است که در آن تعداد درخور توجهی از پزشکان، کسبه قدیمی و صنایع دستی و… از دیرباز فعالیت می‌کنند. این پروژه که اجرا شد، نگرانی‌های زیادی درباره موفقیت آن وجود داشت؛ اما در کمال شگفتی برعکس تجربه تهران بسیار موفق از کار درآمد. در محور بوعلی امکان دسترسی سواره از خیابان‌های پشتی به محور فراهم است و پارکینگ‌های عمومی این امکان را به شهروندان می‌دهند که با دغدغه کمتری خود را به محور برسانند. در کنار کیفیت قابل قبول اجرا، استفاده از سنگ‌های گرانبه شهر که با اقلیم سرد همدان هماهنگ است، باعث ایجاد یک هویت بومی و جذاب شده است. مبلمان در هماهنگی با طرح کلی جداره اجرا شده و هنرمندان همدان هم نسبت به خلق عناصر جذاب شهری نظیر مجسمه‌ها و انواع کارهای حجمی مختلف اقدام کرده‌اند. همه اینها باعث سرزندگی و نشاط شده و درعین‌حال کارکردهای قدیمی محور هم دچار مخاطره جدی نشده است. شهروندان با رضایت خاطر در فضا حضور می‌یابند.

نگاهی به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی و حمایت از حقوق شهروندی

سازمان‌های مردم‌نهاد اعلام جرم کنند

به نمایندگی از جامعه و افراد به دستگاه قضائی، رخداد جرمی را

اعلام کنند و حتی بتوانند در دادرسی شرکت داشته باشند.

۲. نوآوری قانون آیین دادرسی کیفری پرسش ابتدایی را پاسخ داده است. به بیانی اگر جامعه حقی در برابر بزه و جرم اتفاق افتاده داشته باشد علاوه بر دادستان که مدعی‌العموم است، سمن‌ها نیز می‌توانند در مقام اعلام‌کننده جرم، حق جامعه را در جرم رخ داده تأمین کنند.

۳. تفاوت عمده اعلام جرم توسط دادستان و سمن‌ها در خاستگاه شکل‌گیری شخصیت حقوقی آنان است. به عبارتی دادستان برخاسته از قدرت و سمن‌ها برخاسته از جامعه مدنی هستند. دادستان دارای وظایف قضائی و سمن‌ها دارای وظایف اجتماعی هستند. شناسایی زبان اجتماع توسط سمن‌ها به واسطه نگاه تخصصی آنان‌تر از شناسایی آن توسط شخص دادستان است. بنابراین علاوه بر حوزه‌های مشخص در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری بهتر است نقش سمن‌ها در اعلام جرم به عنوان نماینده جامعه و جوامع خرد بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. دفاع از حقوق عامه و افرادی که بعد از ما قرار است در این جامعه زندگی کنند بر عهده کیست؟ آیا فردی یا مجموعه‌ای می‌تواند عهده‌دار این امر باشد که دفاع از حقوق جامعه را برای امروز و فردا با ابزار دادرسی بپذیری کند؟ به عبارت دیگر آیا شخصی می‌تواند بدون آنکه ذی‌نفع در موضوعی باشد نسبت به آن دادرسی را آغاز کند و در تمام مراحل دادرسی حضور داشته باشد؟

۱. سازمان‌های مردم‌نهاد مطابق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و بند پ ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۶ می‌توانند علاوه بر اعلام



مهر داد پولادی پژوهشگر حقوق عمومی

هر دعوا یا جرم نسبت به طرفین آن دعوا اثر دارد. این اصل

اثر نسبی‌بودن دعاوی نام دارد. این اصل سنتی حقوق با برخی استثنائات مواجه شده اما جالب آنجاست که در حوزه جرم، رفته‌رفته اندیشمندان حقوقی علاوه بر بزه‌دیده، جامعه را هم ضررکرده از جرم دانستند. پس آن‌کس که مستحق مجازات است هم از جانب بزه‌دیده مجازات می‌شود و هم از جانب جامعه و آن‌کس که مجری مجازات است قوه حاکم یا همان دولت است. از دیرباز بزه‌دیده این امکان را داشته تا با مراجعه به حاکم با امروزه دادگستری برای جبران خسارت و مجازات متهم اقدام کند. این حق رفته‌رفته به عنوان حق دادرسی توسط دولت‌ها شناسایی شده و امروزه هر زیان‌دیده‌ای می‌تواند برای به‌دست‌آوردن این حق اقدام کند.

حال پرسش اساسی اینجاست که اگر زیان‌دیده جامعه باشد چه کسی باید برای جبران خسارت و مجازات متهم اقدام کند یا اگر زیان‌دیده از ترس جان، مال یا عدم توانایی برای اقدام قضائی نتواند به دادگستری مراجعه کند چه کسی می‌تواند جایگزین وی شود و اعلام جرم کند؟

۱. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب اسفندماه سال ۱۳۹۲ در

ماده ۶۶ حق اعلام جرم و شرکت در دادرسی را برای سازمان‌های مردم‌نهاد به رسمیت شناخته است. به عبارتی سمن‌ها می‌توانند